

پیام چهار  
زیستن با تثلیث الهی  
(۱)

زیستن با مسیح به عنوان عمانوئیل و زیستن مسیح رستاخیز کرده در ما

مطالعه متون مقدس: متی ۱: ۲۱-۲۳؛ ۱۸: ۲۰؛ ۲۸: ۲۰؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲؛ یوحنا ۱۴: ۱۷

۱. زندگی کردن در تثلیث الهی به معنای ماندن در او، باقیماندن در او، ساکن بودن در او به عنوان خانه ما است؛ زندگی کردن با تثلیث الهی این است که او در ما بماند تا ما حضور او، شخص او را برای مسرتان، با خود داشته باشیم - یوحنا ۱۵: ۴:

آ. آن روح ماندگار، روح ساکن در درون، همان عنصر و حوزة اقامت متقابل، سکونت متقابل ما و خدای سه یکتاست - اول یوحنا ۴: ۱۳، ۱۶.

ب. ما باید دارای یک دید عقابی از کل مکاشفۀ عهد جدید باشیم - یک چهارم عهد جدید مربوط به زیستن ما در خدای سه یکتاست، در حالی که سه چهارم عهد جدید مربوط به زیستن ما با خدای سه یکتاست.

۲. زندگی کردن با تثلیث الهی، زندگی کردن با مسیح به عنوان عمانوئیل است - «باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهید نامید (که به معنی "خدا با ما" است) - متی ۱: ۲۳:

آ. قصد خدا توزیع خودش به عنوان حیات (رومیان ۸: ۲، ۶، ۱۰-۱۱) در درون ما، انسان‌های سه بخشی است - در روح، روان، و بدن - تا ما را برای ساختن بدن مسیح (۱۲: ۴-۵) پسران خود کند (۸: ۱۵-۱۴، ۱۹، ۲۳، ۲۹، ۱۷) تا ما بتوانیم اورشلیم نو به عنوان شهر حیات شویم (مکاشفۀ ۲۲: ۱-۲).

ب. برای اینکه توزیع خدای سه یکتا به عنوان حیات را درون وجودمان تجربه کنیم، ما باید کسانی باشیم که با مسیح به عنوان عمانوئیل زندگی می‌کنیم؛ متی کتابی درباره عمانوئیل - خدا جسم پوشید تا با ما باشد - است - ۱: ۲۱-۲۳.

پ. حضور عیسی همان عمانوئیل است، [یعنی] خدا با ما:

۱. او در گردهمایی‌های ما، با ماست - ۱۸: ۲۰.

۲. او هر روزه با ماست - ۲۸: ۲۰.

۳. او در روحمان با ماست - دوم تیموتائوس ۴: ۲۲:

(آ) امروز روح ما سرزمین عمانوئیل است - اشعیا ۸: ۷-۸.

(ب) چون خدا با ماست، دشمن هرگز نمی‌تواند بر سرزمین عمانوئیل چیره شود - آ. ۱۰؛

ر. ک. اول یوحنا ۵: ۴؛ یوحنا ۳: ۶.

ت. عمانوئیل عملی همان روح واقعیت به عنوان حضور خدای سه یکتای کامل در روحمان است؛

حضور او همیشه، نه تنها روز به روز حتی لحظه به لحظه نیز با ما در روحمان است - ۱: ۱۴؛

۱۴: ۲۰-۱۶؛ اول قرن‌تیا ۱۵: ۴۵؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲:

۱. ما می‌توانیم در گردهمایی با یکدیگر از حضور خدای سه یکتا برای تعلیم کلام مقدس او مسرت ببریم - متی ۱۸: ۲۰، ۲۸: ۲۰؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۳۰؛ اعمال ۶: ۴.

۲. ما از طریق روح به عنوان حضور خدای سه یکتا از فیض و آرامش مسرت می‌بریم - غلاطیان

۶: ۱۸؛ اعمال ۹: ۳۱.

۳. رهبری و شهادت دادن روح، حضور او هستند - رومیان ۸: ۱۴، ۱۶

۴. ما از توزیع خدای سه یکتا، از طریق حضورش به عنوان روح، مسرت می‌بریم - دوم قرن‌تیا

۱۳: ۱۴.

ث. برای زندگی کردن با مسیح به عنوان عمانوئیل، ما باید در حضور الهی او، که همان روح حیات بخش به عنوان تکامل خدای سه یکتاست، باشیم - غلاطیان ۵: ۲۵:

۱. برای زندگی کردن با مسیح، ما هنوز زندگی می‌کنیم، ولی نه توسط خودمان به تنهایی بلکه با زیستن مسیح به عنوان عمانوئیل در ما و با ما؛ خدای سه یکتا نمی‌تواند قصد خود را برای توزیع خودش در ما، بیرون از ما کامل کند؛ بنابراین، بودن او با ما باید درونی باشد - ۲: ۲۰.

۲. عمانوئیل حیات و شخص ماست، و ما عضو او بوده، با او با هم به عنوان یک شخص زندگی می‌کنیم؛ پیروزی ما به عمانوئیل، حضور عیسی، بستگی دارد.

۳. اگر حضور خداوند را داشته باشیم، حکمت، بصیرت، دوراندیشی، و شناخت درونی در مورد امور داریم؛ حضور خداوند برای ما همه چیز است - دوم قرن‌تیا ۲: ۱۰؛ ۴: ۶-۷؛ غلاطیان ۵: ۲۵؛ پیدایش ۵: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶.

ج. اگر بخواهیم وارد مسیح شامل تمام به عنوان سرزمین نیکو شده، او را تصرف کرده و از او مسرت ببریم، باید این کار را توسط حضور خداوند انجام دهیم؛ خداوند به موسی وعده داد: «روی من [حضورم] خواهد آمد، و تو را آرامی خواهم بخشید» (خروج ۳۳: ۱۴)؛ حضور خدا راه اوست، همان «نقشه» که به ما مردمش نشان می‌دهد که چه راهی را بگیریم:

۱. برای اینکه کاملاً مسیح را به عنوان سرزمین شامل تمام برای بنای خدا کسب کرده و تصرف کنیم، ما باید این اصل را که حضور خدا معیار هر موردی است، حفظ کنیم؛ علیرغم اینکه چه کار می‌کنیم، باید توجه کنیم که آیا حضور خدا را داریم یا نه؛ اگر حضور خدا را داریم، همه چیز داریم، ولی اگر حضور خدا را از دست بدهیم، همه چیز را از دست می‌دهیم - متی ۱: ۲۳؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲؛ غلاطیان ۶: ۱۸؛ مزامیر ۲۷: ۴، ۸؛ ۵۱: ۱۱؛ دوم قرن‌تیا ۲: ۱۰.

۲. حضور خداوند، لبخند خداوند، اصل حاکم است؛ ما باید بیاموزیم که نه با حضور دست دوم او بلکه با حضور مستقیم و دست اول خداوند حفظ، حکم، فرمانروایی و هدایت شویم.

۳. «من در جوانی راه‌های گوناگونی را جهت غلبه کردن، پیروز شدن، مقدس و روحانی بودن، تعلیم گرفتم. ولی هیچ کدام از آن راه‌ها موثر نبود. عاقبت، از طریق بیش از شصت و هشت سال تجربه، دریافتم که هیچ چیز غیر از حضور خداوند موثر نیست. بودن او با ما همه چیز است» مطالعه حیات کتاب یوشع، ص. ۴۸.

ج. کل عهد جدید یک عمانوئیل است، و ما اکنون بخشی از این عمانوئیل بزرگ هستیم که در اورشلیم نو، در آسمان نو و زمین نو برای ابد، تکامل می‌یابد؛ عهد جدید با یک خدا-انسان آغاز می‌شود، همان کسی که «خدا با ما» است، و با یک خدا-انسان عظیم، اورشلیم نو، پایان می‌یابد، که «خداوند آنجاست» است - متی ۱: ۲۳؛ اول قرن‌تیا ۶: ۱۷؛ اعمال ۹: ۴؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۵؛ مکاشفه ۲۱: ۳، ۲۲؛ حزقیال ۴۸: ۳۵.

۳. زندگی کردن با تثلیث الهی به معنای زیستن مسیح رستاخیز کرده در ما است - غلاطیان ۲: ۲۰؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱:

آ. رستاخیز، یک شخص است چرا که مسیح گفت که او رستاخیز است (یوحنا ۱۱: ۲۵)؛ روح حیات بخش به عنوان روح واقعیت، همان واقعیت مسیح رستاخیز کرده و قدرت رستاخیز مسیح است (اول قرن‌تیا ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳؛ اول یوحنا ۵: ۶؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ خروج ۳۰: ۲۲-۲۵).

ب. ما در زندگی مسیحی تحت به مرگ سپرده شدن مرگ مسیح، توسط روح ساکن در درون و از طریق محیط بیرونی، هستیم؛ محیط بیرونی با روح درونی همکاری می‌کند تا برای اظهار مسیح رستاخیز کرده در درونمان، انسان طبیعی ما را به مرگ بسپارد - رومیان ۸: ۹-۱۰، ۱۳؛ ۲۸-۲۹؛ دوم قرن‌تیا ۴: ۷-۱۸:

۱. اگر سعی کنیم از محیطی که خدا برای ما ترتیب داده فرار کنیم، شادی و آرامش نخواهیم

- داشت؛ وقتی در این محیط محدود باقی بمانیم، می‌توانیم رستاخیز را تجربه کنیم – افسسیان ۴: ۱؛ ۶: ۲۰؛ دوم قرن‌تیاں ۱: ۸-۹، ۱۲.
۲. برای تجربه روح به عنوان واقعیت مسیح رستاخیز کرده، ما باید برای دعا، ستایش، سرود خواندن، یا صحبت کردن با خدا، به روحمان بازگردیم؛ عنوان مزمور ۱۸ نشان می‌دهد که این صحبت انسانی داوود با خدای الهی بود، که نشانگر صمیمیت داوود با خداست؛ پس از ده دقیقه صحبت کردن با خدا و مشورت کردن با او، ما شعله‌ور شده و سرشار از روح به عنوان واقعیت رستاخیز خواهیم بود.
- پ. انسانیت عیسی همان زندگی انسانی او در رستاخیز است؛ جذب کردن و گرمی داشتن توسط خداوند، طبیعی نیست بلکه با حیات رستاخیز او در انسانیت است؛ او یک زندگی انسانی را نه توسط خود بلکه توسط منشأی دیگر، یعنی، پدر او، در رستاخیز زیست – یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰؛ ۱۴: ۲۴:
۱. چون عیسی حیات الهی را در زندگی انسانی خود زیست، زندگی انسانی او اسرارآمیز، یک راز، شد؛ به عنوان شاگردان خداوند، ما باید حیات الهی را در زندگی انسانی خود جهت تجلیل مسیح زیست کنیم – رومیان ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱.
۲. پیروان مسیح از طریق زندگی انسانی مسیح بر روی زمین به عنوان نمونه یک خدا-انسان – زیستن خدا توسط انکار خود در انسانیت (یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰)، شاگرد شدند؛ این نظر آنها درباره انسان را منقلب کرد (فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۱: ۲۱).
۳. ما همه باید توسط خداوند شاگرد شویم تا اشخاصی الهی و اسرارآمیز باشیم؛ ما باید مردم را با حیات الهی و اسرارآمیز در رستاخیز، گرمی داریم؛ «در رستاخیز» یعنی هیچ چیز طبیعی در مراقبت ما از مردم وجود ندارد.
- ت. عصای شکوفا نشان می‌دهد مسیح، آن فرد رستاخیز-کرده، باید زندگی، زیستن، و حیات رستاخیز درون ما باشد و اینکه این حیات باید جوانه زده، شکوفا شود و تا بلوغ میوه دهد – اعداد ۱۷: ۸:
۱. پس از اینکه فرزندان اسرائیل سرکشی کردند، همانطور که در اعداد باب ۱۶ گزارش شده، خدا به آن دوازده رهبر امر کرد که دوازده عصا بر حسب دوازده قبیله اسرائیل بگیرند و آنها را در خیمه ملاقات مقابل شهادت [صندوق عهد / شهادت] قرار دهند (۱۷: ۴)؛ او سپس گفت: «عصای کسی که من برگزینم، جوانه خواهد زد» (آ. ۵).
۲. همه دوازده عصا بدون برگ، بی ریشه، خشک و مرده بودند؛ هر کدام از آنها که جوانه می‌زد همان برگزیده توسط خدا بود؛ در اینجا می‌بینیم که رستاخیز اساس انتخاب خداست، و اساس خدمت، چیزی جدا از حیات طبیعی ماست؛ از این رو، عصای شکوفا نشانگر تجربه ما از مسیح در رستاخیز او به عنوان پذیرش ما توسط خدا برای اقتدار در خدمتگزاری خدادادی است.
۳. اصل هر خدمتی در عصای شکوفا نهفته است؛ خدا تمام یازده عصا را به رهبران بازگرداند، ولی عصای هارون را در داخل صندوق به عنوان یادبود جاودان نگه داشت؛ این بدان معناست که رستاخیز یک اصل جاودان در خدمت ما به خداست – آ. ۹-۱۰.
۴. پس از اینکه عصای هارون جوانه زد، به هیچ وجه هیچ زمینه‌ای برای او نبود که مغرور باشد؛ تجربه او نشان می‌دهد که همه چیز به فیض و رحمت خدا بستگی دارد، و ما نمی‌توانیم در خود کاری انجام دهیم – دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۷-۹؛ رومیان ۹: ۱۵-۱۶، ۲۱، ۲۳؛ لوقا ۱: ۷۸-۷۹.
۵. از آنجا که کفایت ما از جانب خداست، به هیچ وجه هیچ زمینه‌ای برای مغرور بودن ما وجود ندارد. فقط یک شخص نادان می‌گوید که از دیگران بهتر است (دوم قرن‌تیاں ۳: ۵؛ متی ۲۶: ۳۳؛ یوحنا ۲۱: ۱۵؛ ر.ک. مرقس ۱۱: ۹)؛ فروتنی ما را از انواع ویرانی نجات می‌دهد و فیض خدا را دعوت می‌کند (دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۷-۹؛ یعقوب ۴: ۶؛ ر.ک. رومیان ۱۲: ۳؛ غلاطیان ۵: ۲۶؛ متی ۱۸: ۳-۴؛ ۲۰: ۲۰-۲۸؛ دوم قرن‌تیاں ۴: ۵).
۶. رستاخیز هر چیزی است که از حیات طبیعی ما، از خودمان، و بر اساس توانایی خودمان

- نیست؛ رستاخیز از چیزهایی می‌گوید که فراتر از ما بوده، نمی‌توانیم آنها را از خودمان انجام دهیم - ۱: ۸-۹؛ ۴: ۷.
۷. رستاخیز بدین معناست که همه چیز از خدا و نه از ما است؛ این یعنی تنها خدا قادر است و ما قادر نیستیم؛ رستاخیز یعنی همه چیز توسط خدا و نه توسط خودمان انجام می‌شود - ۱: ۱۲؛ فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱.
۸. آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم متعلق به قلمرو طبیعی بوده، و آنچه برای ما غیر ممکن است متعلق به قلمرو رستاخیز است؛ یک انسان باید قبل از اینکه به بی‌فایده بودن خود متقاعد شود به پایان خود برسد - متی ۱۹: ۲۶؛ مرقس ۱۰: ۲۷؛ لوقا ۱۸: ۲۷.
۹. باید ببینیم که یک مسیحی و یک پیروزمند بودن صرفاً مشکل نیست - غیر ممکن است؛ فقط خدای سه‌یکتای پروسه دیده کامل که به عنوان روح شامل تمام در ما زندگی می‌کند می‌تواند یک مسیحی و یک پیروزمند باشد؛ وقتی که ما نیازی داشته، ناتوان هستیم، یا وقتی که با وضعیت سختی مواجه هستیم، می‌توانیم در مورد آن با او صحبت کنیم؛ سپس او، کسی که در ما زندگی می‌کند، برای رویارویی با شرایط و انجام هر کاری که لازم است می‌آید و ما خودبخود مسیح را زندگی خواهیم کرد - فیلیپیان ۴: ۵-۷، ۱۲؛ ۱: ۲۱.